آیا قطر می‌تواند جای روسیه را در بازار انرژی اروپا پر کند؟

جانشین غول گاز

ابراهیم رضایی‌راد: بحران پیش‌آمده جنگ روسیه و اوکراین در زمینه انرژی همچنان ادامه دارد. بحرانی که کشورهای اروپایی را با چالش جدی درخصوص تأمین گاز روبه‌رو کرده است. تأمین گازی که در ابتدا به نظر می‌رسید روسیه در این خصوص به تهدید اکتفا کند و از اقدام عملی یعنی قطع گاز خودداری کند. موضوعی که پس از مدتی رنگ باخت و شاهد قطع صادرات گاز روسیه به لهستان و فنلاند و حالا دانمارک هستیم. این موضوع سبب شده است که کشورهایی که وابستگی بالایی در زمینه گاز به روسیه دارند تلاش کنند مسیر جایگزین برای گاز روسیه جست‌وجو کنند. در واقع سؤالات کشورهای اروپایی از ایران در خلال نشست و گفت‌وگوهای برجام در همین جهت بود. در همین راستا کشور آلمان که بیش از ۴۰ درصد گاز خود را از روسیه وارد می‌کند دچار چالشی جدی شده است. کشور آلمان و سایر کشورهای اروپایی خرید گاز به صورت LNG از کشورهایی مانند قطر را بررسی کنند. طرحی که باید دید آیا قطر می‌تواند جایگزین گاز روسیه شود و نیاز کشورهای اروپایی به‌خصوص آلمان را در زمینه گاز طبیعی تأمین کند یا خیر؟

قطر به دلیل موقعیت ویژه جغرافیایی و منابع طبیعی و همچنین حساسیت‌های ملی‌گرایانه‌اش، اغلب خود را در موقعیت حساس ژئوپلیتیکی می‌بیند. در واقع مجموعه‌ای از عوامل منجر به تصمیم قطر برای معرفی خود به عنوان تأمین‌کننده و جبران‌کننده گاز طبیعی روسیه شد. آلمان قصد دارد وابستگی خود به گاز روسیه را کاهش دهد و مسیر جدیدی را دنبال کند. در حالی که قطر به اندازه کافی گاز طبیعی تولید می‌کند تا بتواند به طور فرضی جایگزین گاز روسیه شود که به آلمان می‌رود اما زیرساخت‌ها و واقعیت‌های بازار این کار را دشوار می‌کند. مدت‌ها قبل از ظهور مجدد ایدئولوژی پان‌عرب که اکنون به طور فزاینده‌ای در میان چندین کشور پیشرو خاورمیانه مشهود است، قطر تلاش کرده بود راه خود را طی کند، اما به طور کامل با بلوک قدرت تحت رهبری ایالات متحده و بلوک شرق به رهبری چین همسو نشد و سیاست بی‌طرفی را اتخاذ کرد. این موضوع نیز تابعی از حساسیت‌های ملی‌گرایانه خوداتکایی است و همه این عوامل در تصمیم قطر برای معرفی خود به عنوان ابزاری کلیدی که آلمان ممکن است در نهایت قادر به اعمال ممنوعیت واردات نفت و گاز از روسیه باشد، ترکیب می‌شود.

چندی پیش، قطر بیانیه‌ای مبنی بر همکاری در زمینه انرژی با آلمان با هدف تبدیل‌شدن به تأمین‌کننده اصلی گاز طبیعی مایع (LNG) در آینده اتحادیه اروپا امضا کرد. این ذخایر و حجم صادرات جدید LNG از قطر، از طریق مسیرهای وارداتی موجود به آلمان خواهد رسید که توسط زیرساخت‌های جدید تصویب‌شده توسط بوندستاگ آلمان در ۱۹ می تقویت شده است. به گفته منابعی در دستگاه امنیت انرژی اتحادیه اروپا، این موضوع شامل استقرار چهار تأسیسات شناور واردات LNG در سواحل شمالی آن و دو پایانه خشکی دائمی است که اکنون در دست توسعه هستند. این طرح‌ها به موازات هم اجرا می‌شوند. در این طرح قطر ۷۰ درصد از سهام و شرکت اکسون‌موبیل مابقی سهام را در اختیار دارد. ظرفیت ارسال تخمینی ترمینال Golden Pass حدود ۱۸ میلیون تن LNG در سال خواهد بود و انتظار می‌رود این تأسیسات در سال ۲۰۲۴ به بهره‌برداری برسد.

در همین راستا، آلمان ۱۴۲ میلیارد مترمکعب گاز در سال ۲۰۲۱ وارد کرد که ۶،۴ درصد نسبت به سال ۲۰۲۰ کاهش داشت که این رقم به طور متوسط حدود ۱۲ میلیارد مترمکعب در ماه است. طبق داده‌های سرویس‌های اطلاعاتی مستقل کالا (ICIS)، برای ماه دسامبر ۲۰۲۱، گاز طبیعی واردشده از طریق خطوط لوله از روسیه بالغ بر ۳۲ درصد از کل واردات آلمان در آن ماه و پس از آن واردات از نروژ (۲۰ درصد از کل) و هلند (۱۲ درصد از کل) قرار دارد. این رقم حاکی از آن است که بیش از ۴۵ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی توسط آلمان از روسیه وارد شده است که معادل کمتر از ۳۳ میلیون متریک تن LNG یا کمی بیش از ۴۰ میلیون تن معادل نفت است. ۳۳ میلیون تن متریک LNG در سال برای آلمان از روسیه در مقایسه با کل مقدار گلدن‌پس در سال که ۱۸ میلیون تن در سال LNG بوده است. بنابراین واضح است که قطر می‌تواند در واردات گاز آلمان از روسیه اختلاف و ظرفیت معناداری ایجاد کند. سنگ بنای این تلاش‌ها از سوی قطر در برنامه‌های این کشور برای توسعه چشمگیر ظرفیت میدان گاز طبیعی گنبد شمالی است اما بعید است تا قبل از رسیدن به نقطه هدف یعنی سال ۲۰۲۷ به طور کامل محقق شود. میدان گاز طبیعی عظیم گنبد شمالی به همراه وسعت ۳۷۰۰ کیلومترمربعی میدان پارس جنوبی، بزرگ‌ترین میدان گاز طبیعی غیرمرتبط در جهان را تشکیل می‌دهند. بر اساس برآوردهای محافظه‌کارانه، کل سایت ۹۷۰۰ کیلومترمربعی دارای حداقل ۱۸۰۰ تریلیون فوت مکعب گاز طبیعی است. این منبع فراوان برای سال‌های متمادی به قطر اجازه می‌داد که صادرکننده LNG شماره یک در جهان باشد، هرچند برای مدتی این جایگاه توسط استرالیا تصاحب شد. ازدست‌دادن جایگاه قطر محصول توافقی بود که در سال ۲۰۰۵ برای توسعه بیشتر سایت گنبد شمالی وضع کرده بود، اما پس از آن در سه‌ماهه اول سال ۲۰۱۷ لغو شد.

قطر می‌تواند بیش از ۷۷ میلیون تن در سال (حدود ۱۰۶ میلیارد مترمکعب در سال) ظرفیت رسمی LNG گنبد شمالی تولید کند و سال گذشته حدودا ۱۱۰ میلیارد مترمکعب تولید کرد. در واقع، واردات تخمینی سالانه گاز طبیعی آلمان از روسیه حدود ۴۵ میلیارد مترمکعب یا کمتر از ۳۳ میلیون تن LNG است. بنابراین، برای اینکه قطر در حال حاضر به طور کامل جایگزین آلمان برای گاز روسیه شود، با فرض اینکه زیرساخت‌های واردات LNG آلمان در حال حاضر آماده باشد، باید بیش از ۵۸ درصد کل LNG خود را به کشور آلمان ارسال کند. قطر نه تنها قراردادهای بلندمدت تأمین برای مصرف‌کنندگان داخلی و همچنین برای مشتریان ارزشمند خود در آسیا منعقد کرده است و ۷۸،۵ میلیارد مترمکعب تحویل داده شده، بلکه کشورهای مختلف دیگر در اروپا نیز حدود پنج درصد از کل مصرف اروپا را تشکیل می‌دهند. بر اساس داده‌ها، مشتریان برجسته اروپایی قطر در سال گذشته کشورهای ایتالیا (۶،۶ میلیارد مترمکعب)، بریتانیا (۶،۲ میلیارد مترمکعب)، بلژیک (۳ میلیارد مترمکعب)، اسپانیا (۲،۷ میلیارد مترمکعب) و لهستان (۲،۴ میلیارد مترمکعب) بودند.

در انتها به نظر می‌رسد (البته همه اینها پیش‌فرض است) که تمایل واقعی آلمان برای مشارکت واقعی در هر گونه ممنوعیت واقعی اتحادیه اروپا بر گاز و نفت روسیه وجود دارد و سیاست آلمان در این خصوص مجهول است. به نظر می‌رسد قضیه گاز روسیه برای اروپا و به‌خصوص آلمان به کلافی سردرگم تبدیل شده است. از یک سو کشورهای اروپایی به دنبال جایگزین نفت و گاز روسیه هستند و از سویی دیگر تحریم‌ها به صورت آنچه علیه ایران اجرا شد یعنی تحریم‌های هوشمند و سفت و سخت، اجرا نمی‌شود. به نظر می‌رسد آلمان تنها منافع ملی خود را درخصوص بحران گازی دنبال می‌کند. همان‌طور که وزیر خارجه این کشور، زیگمار گابریل گفت که رفتار آنها در قبال ایران ما را به موضع مشترک با روسیه و چین سوق خواهد داد. این گفته وزیر خارجه آلمان به این معنی می‌تواند باشد که در صورتی که راهبرد و سیاست‌های غرب و ایالات متحده آمریکا منافع این کشور را تأمین نکند، احتمال ادامه‌داربودن خرید گاز روسیه با پرداخت بهای آن با روبل امکان‌پذیر است. این نکته نیز باید مورد توجه قرار بگیرد که جایگزینی یک کشور در حوزه انرژی با حجم بالای وابستگی بسیار سخت و به نوعی امری غیر قابل اجرا در کوتاه‌مدت است. به همین دلیل است که آلمان تمام سناریوهای موجود درخصوص تأمین گاز را مدنظر قرار داده و همه طرح‌ها را امکان‌سنجی می‌کند.

بازتاب

وزارت نفت به گزارش «رفت‌وآمد زیر پوست بنزین» پاسخ داد

گران نمی‌شود

نظر به انتشار گزارشی با عنوان «رفت و آمد زیر پوست بنزین» مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۲ در روزنامه شرق و طرح پاره‌ای مطالب خلاف واقع، توضیحاتی جهت اطلاع نویسنده گزارش و آگاهی مخاطبان روزنامه ارائه می‌شود: ۱- برخلاف نظر نویسنده گزارش روزنامه شرق، بررسی رد و مسیر انتشار شایعات درخصوص افزایش قیمت بنزین و تکرار آن در هفته‌های اخیر با وجود تکذیب‌های مکرر مسئولان دولت و مدیران وزارت نفت، از سوی برخی رسانه‌های یک جریان خاص و عمدتا منتقد دولت مطرح و پیگیری شده و اتفاقا این کار نه «طرح مخفیانه بنزینی دولت» که ظاهرا کلیدواژه جدید برخی جناح‌ها برای سیاسی‌کاری و التهاب‌آفرینی می‌نماید. ۲- دولت سیزدهم در طول مدت مسئولیت خود نشان داده است در ارتباط با افکار عمومی شفاف و خودمانی بوده و تصمیمات خود را پنهان از مردم نگه نمی‌دارد و مشکلات، راهکارها و طرح و برنامه‌های خود را بدون لکنت و صادقانه با افکار عمومی در میان می‌گذارد، از جمله در حمله سایبری آبان سال گذشته به سامانه سوخت کشور که به قصد عصبانیت مردم و برهم‌زدن آرامش جامعه از سوی دشمنان ایران عزیز طراحی و اجرا شد، با اطلاع‌رسانی شفاف و پای کار آمدن تمام ارکان دولت از شخص رئیس‌جمهور محترم تا سایر مدیران ارشد دولت و وزارت نفت، این توطئه خنثی و به نقطه‌ای روشن از حسن اعتماد مردم به خدمتگزاران خود تبدیل شد. درباره یارانه ارز ترجیحی نیز مشابه همین رویه در پیش گرفته شد و از چند ماه قبل درباره برنامه دولت برای اصلاح آن با مردم و افکار عمومی صحبت شد. ۳- بیان مشکلات و معضلات به‌ویژه درخصوص اصلاح الگوهای مصرف، به‌ویژه مصرف بهینه انرژی از سالیان گذشته همواره مورد تأکید بوده به گونه‌ای که مقام معظم رهبری شعار سال ۱۳۸۸ را اصلاح الگوی مصرف انتخاب کردند. متأسفانه غفلت و بی‌عملی دولت‌های قبل نسبت به این موضوع حساس سبب شده است امروز با انباشت مسائل در این زمینه مواجه باشیم و اکنون رفع این مشکلات هرچند بسیار دشوار شده است، اما با این وجود، دولت سیزدهم مصمم است برای صیانت از منابع بین‌نسلی و کاهش هدرروی انرژی با همراهی مردم و اعمال سیاست‌های تشویقی برای کاهش مصرف و اقدامات سلبی برای جلوگیری از مصرف بی‌رویه انرژی گام‌های مؤثری در این زمینه بردارد. ۴- اختلاف قیمت سوخت در ایران و کشورهای همسایه با توجه به نوسانات قیمت جهانی نفت و ارز در ماه‌های گذشته به قدری زیاد شده است که با وجود مراقبت و افزایش کشفیات محموله‌های قاچاق سوخت، باز هم عده‌ای به‌ویژه در مناطق مرزی با سوءاستفاده از کارت سوخت جایگاه‌داران مبادرت به عرضه خارج از شبکه سوخت می‌کنند که به‌منظور جلوگیری از خروج فرآورده‌های نفتی به‌عنوان ثروت ملی که متعلق به یکایک ایرانیان است، دستگاه‌های مسئول از جمله شورای تأمین استان‌های مرزی ممکن است ناگزیر به مدیریت و نظارت بیشتر بر عرضه و جلوگیری از قاچاق سوخت در برخی مناطق استان‌های مرزی از طریق اعمال محدودیت در سوختگیری با کارت آزاد جایگاه‌داران شده باشند. بنابراین نباید این تدبیر را که دامنه اعمال محدودیت هم دارد به حساب ایجاد آمادگی برای افزایش قیمت سوخت گذاشت. ۵- آنچه مسلم بوده و تاکنون بارها بر آن تأکید شده این است که «درحال‌حاضر دولت برنامه‌ای برای افزایش قیمت بنزین ندارد و انتشار شایعات و برخی قیمت‌هایی که در رسانه‌ها انتشار می‌یابد، صرفا حدسیات و سناریوسازی در این زمینه و عاری از حقیقت است». توصیه ما به رسانه‌ها و به‌ویژه روزنامه شرق این است درخصوص قیمت بنزین، با تیترهای جنجالی و برآمده از شایعات، فضای فکری مخاطبان خود را بی‌جهت مشوش و آلوده به شایعات نکنند.

پاسخ شرق: روزنامه «شرق» در گزارش یادشده تنها به طرح موضوع و شایعات و نگرانی‌های مردم درباره قیمت بنزین پرداخته است و نقل‌قول‌های رسمی مدیران وزارت نفت را آورده است. بنابراین ادعای درج مطالب خلاف واقع درباره قیمت بنزین در روزنامه «شرق»، از سوی وزارت نفت نادرست است.

تبیین الزامات اثربخشی برنامه حذف ارز ترجیحی (۱)

حسین قریب

در اوایل سال ۱۳۹۷ و در پی افزایش شدید تحریم‌های بین‌المللی، دولت به اقتضای شرایط موجود تصمیم به تغییر نرخ ارز گرفت و قیمت ارز براساس هر دلار، چهارهزارو ۲۰۰ تومان تعیین شد. هرچند دولت وقت در نظر داشت که همه کالاها را به نرخ ترجیحی مزبور وارد کند؛ اما پس از مدتی دامنه شمول ارز ترجیحی تنها به ۲۵ گروه کالایی که مربوط به حوزه معیشت و سلامت مردم بود، محدود شد. این موارد شامل کالاهای اساسی، دارو و تجهیزات پزشکی می‌شد.

با تداوم تحریم‌های بین‌المللی و نیز محدودیت منابع ارزی کشور، به‌تدریج برخی از اقلام از شمول این نوع ارز خارج و از ابتدای سال ۱۳۹۹، به اقلام (گندم، ذرت، جو، کنجاله، روغن و دانه‌های روغنی، دارو و تجهیزات پزشکی) محدود شد. در طول سال‌های اجرای برقراری نرخ ارز ترجیحی، با توجه به فاصله فراوان آن با نرخ آزاد ارز، کارشناسان وجود ارز ترجیحی را موجب رانت‌زایی، عدم تخصیص بهینه منابع در بخش‌های مختلف اقتصادی، گسترش فساد، افزایش تقاضای غیرضروری ارز، ایجاد زمینه سوءاستفاده برخی واردکنندگان، افزایش قاچاق و ایجاد زمینه صادرات کالاهای یارانه‌ای به کشورهای همسایه محسوب می‌کنند (پناهی، ۱۴۰۱). ازاین‌رو اختصاص ارز ترجیحی نه‌تنها انتظارات مدنظر را برآورده نکرده؛ بلکه هزینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را به کشور تحمیل کرده است. با توجه به نکات مزبور و همچنین تنگناهای شدید مالی دولت، تخصیص ارز ترجیحی پس از چهار سال (ابتدای ۱۳۹۷ تا پایان ۱۴۰۰) خاتمه پیدا کرد.

دولت سیزدهم در آغاز سال ۱۴۰۱ نسبت به اصلاح قیمت ارز و حذف ارز ترجیحی اقدام کرد. حذف ارز ترجیحی، گام مهمی در راستای اصلاح قیمت در اقتصاد ایران است. در این گفتار به تبیین الزامات موفقیت تغییر نرخ ارز پرداخته می‌شود؛ اما از آنجا که براساس مباحث نظری، اصلاح قیمت یکی از اجزای اصلاحات ساختار اقتصادی محسوب می‌شود، فرضیه این نوشتار بر این نکته استوار است که اثربخشی اصلاح قیمت مبنی بر حذف ارز ترجیحی چهارهزارو ۲۰۰ تومانی تنها در صورت پیوند آن با سایر اجزای اصلاح ساختار اقتصادی معنی‌دار می‌شود و در غیراین‌صورت دارای هزینه‌زایی فراوان برای اقتصاد ملی خواهد بود؛ بنابراین در ابتدا لازم است به تبیین مفهوم اصلاح ساختار اقتصادی و ارکان اصلی آن پرداخته شود:

۱- مفهوم اصلاحات ساختاری

اصلاحات ساختار اقتصادی، به فرایند گذار از اقتصاد دولتی و درون‌گرا که در آن قیمت‌ها به صورت دستوری تعیین می‌شود، به اقتصاد برخوردار از سازوکار بازار، کاهش هزینه‌های دولت، عدم تصدی‌گری دولت و همچنین نقش‌آفرینی بخش خصوصی، اطلاق می‌شود.

۲- ارکان اصلاحات ساختاری

اصلاحات ساختار اقتصادی، دارای چهار رکن اساسی است:

۲-۱- آزادسازی قیمت‌ها: یکی از اجزای مهم اصلاح ساختاری، خروج از وضعیت تعیین قیمت‌ها به صورت دستوری از سوی دولت و آزادسازی قیمت‌ها است؛ بنابراین برای تحقق این امر، دولت‌ها نباید در قیمت‌گذاری دخالت کنند و درصورتی‌که دولت خواهان حمایت از اقشار آسیب‌پذیر باشد، باید به جای دخالت در سازوکار قیمت و بازار، به کمک‌های نقدی به جامعه هدف توجه کند.

۲-۲- کنترل تورم: یکی از اجزای تعیین‌کننده اصلاحات ساختاری، «کنترل تورم» است. بدون تمرکز بر کنترل تورم، ممکن است آزادسازی قیمت‌ها در اقتصادی که مدت‌های مدید دارای اقتصاد دستوری و تعیین قیمت‌ها از سوی مقامات دولتی بوده، عواقب پرهزینه و نگران‌کننده‌ای در بر داشته باشد. دولت‌ها به موازات اصلاح قیمت‌ها، باید نسبت به کنترل تورم از طریق کاهش کسری بودجه و مدیریت «رشد میزان نقدینگی» توجه کنند؛ پس می‌توان گفت اصلاح قیمت‌ها شرط لازم اصلاحات ساختاری و کنترل تورم نیز شرط کافی آن محسوب می‌شود.

۲-۳- یارانه‌های هدفمند و کمک‌های نقدی به اقشار آسیب‌پذیر: اصلاحات ساختار اقتصادی و تعدیل قیمت‌ها برای آحاد جامعه دارای فرصت‌ها و تهدیدات مختلف در ابعاد اقتصادی و اجتماعی است. اثربخشی اصلاحات ساختاری اقتصادی منوط به کاهش تهدیدات و افزایش فرصت‌ها برای شهروندان است. ازجمله مواردی که به کاهش تهدیدات و بهبود اثربخشی اصلاحات اقتصادی مربوط می‌شود، ارائه برنامه مؤثر برای حمایت از گروه‌های کم‌درآمد که در جریان اصلاحات اقتصادی آسیب می‌بینند، از محل افزایش قیمت نرخ ارز یا افزایش قیمت حامل‌های انرژی است. نکته مهم این است که در اصلاحات ساختاری، کمک به اقشار آسیب‌پذیر، به صورت نقدی است و از دخالت در سازوکار قیمت پرهیز می‌شود.

۲-۴- تسهیلات هدفمند به بنگاه‌های اقتصادی ذی‌ربط: هنگامی‌که اصلاح قیمت صورت می‌گیرد، بنگاه‌های اقتصادی محتاج منابع فراوان مالی می‌شوند. درصورتی‌که نسبت به این مهم چاره‌اندیشی نشود، بنگاه‌ها دچار رکود فعالیتی شده و میزان تولید کاهش پیدا می‌کند. با کاهش عرضه کالا، نرخ تورم افزایش می‌یابد و اساس اصلاح قیمت‌ها متزلزل خواهد شد. ازاین‌رو لازم است که از محل اصلاح قیمت‌ها، منابع درخورتوجهی برای ارائه تسهیلات هدفمند به کسب‌وکارهای حیاتی و استراتژیک و بنگاه‌های ذی‌ربط تخصیص داده شود، تا موتور تولید و تحرک اقتصادی خاموش نشود. ارکان اصلی اصلاح ساختاری عبارت‌اند از: اصلاح قیمت، کنترل تورم، یارانه هدفمند و کمک‌های نقدی به اقشار آسیب‌پذیر و تسهیلات هدفمند به بنگاه‌های اقتصادی ذی‌ربط.

لازم به ذکر است که مؤلفه‌های سوم و چهارم لزوما در ادبیات اقتصاد کلاسیک و متعارف مورد تأکید نیست؛ اما سیاست‌گذاران هوشمند به اقتضای شرایط کشورها، نسبت به آنها حساسیت دارند و به آنها توجه ویژه‌ای خواهند داشت.

در جمع‌بندی می‌توان گفت که در اصلاحات ساختاری، باید به همه محورها و مؤلفه‌های چهارگانه، به صورت متوازن و شبکه‌ای توجه شود و هیچ‌یک از اضلاع آن نادیده گرفته نشود. به این معنی که هرگاه قیمت‌ها اصلاح نشود، اصلاحات اقتصادی رقم نمی‌خورد و اگر قیمت‌ها آزاد شوند؛ اما نسبت به کنترل تورم کم‌دقتی صورت گیرد، آزادسازی امری خطرناک و پرریسک خواهد بود.

همچنین فقدان برنامه عملیاتی برای حمایت از اقشار آسیب‌پذیر یا ارائه‌ندادن تسهیلات هدفمند به بنگاه‌های ذی‌ربط، اصلاحات ساختاری را فاقد اثربخشی‌های مورد انتظار می‌کند و اساس آن را تهدید می‌کند.